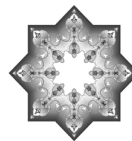


**تدوین الگوی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری
بر اساس مدل‌سازی ساختاری - تفسیری
(مطالعه موردی: بانک تجارت استان آذربایجان شرقی)**



شاپور رحمانی^۱
سلیمان ایرانزاده^۲
یعقوب علوی متین^۳

صفحات ۱۳ تا ۴۰
دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶
پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

DOR: 20.1001.1.22285067.1400.27.83.1.6

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

آشفتنگی‌های اخیر در سیستم مالی جهانی، این مسئله را که یک سیستم مالی با عملکرد خوب برای رشد اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است را برجسته نموده است. صنعت بانکی سالم و سودآور بهتر می‌تواند شوک‌های منفی را تحمل کند و به ثبات سیستم مالی کمک نماید. بر همین اساس هدف این پژوهش تدوین الگوی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری بر اساس مدل‌سازی ساختاری - تفسیری در بانک تجارت استان آذربایجان شرقی بوده است. این پژوهش بر اساس هدف پژوهش کاربردی - توسعه‌ای بوده است. جامعه آماری پژوهش در دو بخش مدیران و رؤسای شعب بانک تجارت استان آذربایجان شرقی و خبرگان پژوهش برای تعیین الگوی روابط بین عوامل مؤثر بر سودآوری بوده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه بهره‌گرفته‌شده که روایی و پایایی آن‌ها بر اساس روایی سازه و ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تعیین شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی ساختاری - تفسیری بهره‌گرفته‌شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر سودآوری را می‌توان در قالب دوازده معرف و سه مؤلفه اصلی دسته‌بندی نمود. همچنین نتایج مدل‌سازی ساختاری - تفسیری نشان می‌دهد که برای سودآوری بانک‌های ایرانی، در درجه اول عوامل دولتی دارای اهمیت بوده و پس‌از آن عوامل اقتصادی و در نهایت ویژگی‌های خاص بانک قرار دارد.

واژگان کلیدی: سودآوری صنعت بانکداری، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، تحلیل قدرت هدایت

و قدرت وابستگی، بانک تجارت

stu.sh.rahmani@iaut.ac.ir
iranazadeh@iaut.ac.ir
alavatin@iaut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. استاد گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران؛ (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۱- بیان مسأله

نقش مهمی که توسط مؤسسات مالی در تخصیص منابع و رشد اقتصادی ایفا می‌شود، مدت‌هاست در ادبیات مالی و اقتصادی ثابت شده است. در بیشتر اقتصادهای در حال توسعه، بخش بانکداری نقشی محوری در ارائه خدمات مالی و سایر خدمات ضروری ایفا می‌کند که رفاه اقتصادی مردم را افزایش می‌دهد (ایساک و همکاران، ۲۰۲۲). بخش بانکداری به‌عنوان خون حیاتی کسب و کارها عمل می‌کند تا منبع اصلی تأمین مالی آن‌ها باشد. پدیده جهانی شدن، مفهوم کارایی را برای نهادهای غیرمالی و مالی مهم‌تر کرده است و بانک‌ها بخشی از آن‌ها هستند. بانک‌ها تا حد زیادی به استراتژی بازاریابی رقابتی وابسته هستند که موفقیت و رشد آن‌ها را تعیین می‌کند. شیوه‌های تجارت بانکی در هزاره جدید در مقایسه با سال‌های گذشته بسیار تغییر کرده است (گال و همکاران، ۲۰۱۱). امروزه در دنیای رقابت، دستیابی به جایگاه مناسب در بازار، سخت و دشوار است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰). بحران‌های اخیر بانکی بین‌المللی نشان داد که حتی بانک‌هایی که به‌عنوان بانک‌های کارآمد طبقه‌بندی می‌شوند با مشکلات جدی روبه‌رو شدند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰). صنعت بانکی سالم و سودآور بهتر می‌تواند شوک‌های منفی را تحمل کند و به ثبات سیستم مالی کمک نماید (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۹). بانک‌ها نه تنها به‌منظور تنظیم نقدینگی بلکه به‌منظور تقویت بخش‌های تولیدی یک کشور، کمک به مصرف فردی و انباشت سرمایه نقش اساسی در اقتصاد دارند (ساندرز، ۲۰۰۰). مطالعات مختلف نشان می‌دهد که بین عملکرد بهتر و سودآوری صنعت بانکداری و افزایش رشد اقتصادی در یک کشور رابطه مستقیمی وجود دارد (کلین و ویل، ۲۰۲۲؛ گراف، ۲۰۰۳). بانک‌ها نقش اساسی در عملکرد اقتصاد دارند، زیرا آن‌ها یک عامل مهم در سیستم مالی یک کشور هستند.

سودآوری یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های سازمان‌ها است، زیرا کسب حاشیه سود بالاتر یا بازده بالاتر از سرمایه‌گذاری آن‌ها باعث می‌شود، سازمان‌ها سرمایه خود را افزایش دهند، کارکنان بیشتری استخدام کنند، نوآوری داشته و فرایندها را بهبود بخشند، به‌عبارت‌دیگر به آن‌ها اجازه می‌دهد ارزش‌آفرینی خود را گسترش دهند. بانک‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در واقع، این مؤسسات نیز نگرانی‌های خاص خود را در مورد استراتژی‌های رقابت، سطح کارایی و مدیریت ریسک با هدف افزایش سود دارند (ورا-گیلسس و همکاران، ۲۰۲۰). بیشتر تحقیقات در مورد عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانکی به نتایج متناقضی در

خصوص عوامل مؤثر دست‌یافته‌اند. برای نمونه در مطالعات مختلف مانند مادوس و گوارا (۲۰۰۴)، والورده و فرناندز (۲۰۰۷)، ویلیامز (۲۰۰۷)، هاوتری و لیانگ^۱ (۲۰۰۸)، آتاناسوگلو و همکاران (۲۰۰۸)، گارسیا-هررو^۲ و همکاران (۲۰۰۹)، مادوس و سولیس (۲۰۰۹)، دتريخ و وانزرید (۲۰۱۱، ۲۰۱۴)، ترجیلو-پونک (۲۰۱۳)، مرگائرتز و وندر ونت (۲۰۱۶)، مادوس (۲۰۱۷)، بوذگارو و همکاران (۲۰۱۸)، برگلوند و موکینن (۲۰۱۹) و جریس^۳ (۲۰۲۱) که تأثیر عوامل خاص بانک در آن‌ها بررسی شده، نتایج متناقضی در خصوص تأثیر عواملی مانند ریسک اعتباری و نقدینگی، بهره‌وری عملیاتی، اندازه، نسبت سرمایه و مدل‌های تجاری بر سودآوری بانک به‌دست‌آمده است. با توجه به اینکه در هر یک از مطالعات به بخشی از عوامل مؤثر بر سودآوری بانک پرداخته شده و جمع‌بندی مشخصی از این عوامل وجود ندارد، لذا موضوع اصلی در این پژوهش مشخص نمودن همه‌ی عوامل مؤثر بر سودآوری برای دستیابی به یک نتیجه مشخص و تصمیم‌گیری مناسب در خصوص افزایش عملکرد صنعت بانکداری می‌باشد. از طرفی نیز در ایران با توجه به ماهیت اسلامی بودن بانک‌ها، شکل و ماهیت عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها با سایر بانک‌ها متفاوت خواهد بود. در این خصوص تحقیقات مختلفی به بررسی تفاوت‌های بین بانکداری اسلامی و بانکداری معمولی پرداخته‌اند (عابدی‌فر و همکاران، ۲۰۱۵ و حسن و علیو، ۲۰۱۸).

به‌طور کلی، نتایج تجربی در مطالعات انجام‌شده در حوزه سودآوری بانک‌ها، با توجه به تفاوت در مجموعه داده‌ها، دوره‌های زمانی، محیط‌های بررسی‌شده و کشورهای مورد مطالعه، به‌طور قابل توجهی متفاوت بوده است. با این حال، برخی از عناصر مشترک وجود دارد که اجازه می‌دهد دسته‌بندی بیشتری از عوامل سودآوری بانکی انجام شود. لذا با توجه به موارد مطرح‌شده، این تحقیق بر اساس دو مسئله اصلی شکل گرفته است: اول اینکه در مطالعات انجام‌گرفته به‌نوعی ابهام در عوامل تعیین‌کننده سودآوری در نظام بانکی وجود دارد که به خاطر تعدد مطالعات در این حوزه بوده و برخی از محققان از جنبه‌ای خاص به موضوع سودآوری در صنعت بانکداری توجه نموده‌اند. بدین منظور برای دستیابی به یک تصمیم‌گیری صحیح و متناسب با شرایط داخلی بانک‌ها که مبتنی بر بانکداری اسلامی می‌باشد، این پژوهش درصدد تدوین الگوی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری می‌باشد که می‌تواند

¹- Hawtrey and Liang

²- Garcia-Herrero

³- Jeris

مجموعه‌ای از عوامل مختلف را به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده سودآوری در صنعت بانکداری مشخص نماید. مسئله دوم به شرایط اقتصادی داخلی برمی‌گردد که سبب گردیده تا سودآوری صنعت بانکداری تا حد زیادی تحت تأثیر مسائل اقتصاد کلان قرار گرفته و آسیب‌های عمده‌ای به‌نظام بانکداری وارد گردد. بر همین اساس نیز شناسایی عوامل تعیین‌کننده سودآوری صنعت بانکداری در قالب تدوین الگوی سودآوری می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران این صنعت در تصمیم‌گیری‌های خود کمک نماید.

۲- ادبیات پژوهش

از منظر جهانی، سودآوری بانک‌ها و محرک‌های مربوط به آن موضوعی بوده که سال‌ها مورد توجه محققان دانشگاهی و متخصصان بخش بانکی بوده و هست (حسین و احمد، ۲۰۲۱). مطالعات متعددی برای مشخص کردن عواملی که می‌توانند سودآوری بانک‌ها را توضیح دهند و ماهیت دقیق رابطه بین این دو مجموعه از متغیرها انجام شده است. ادبیات مربوط به عملکرد بانک بیش از سه دهه پیش با استفاده از نظریه‌های قدرت بازار و ساختار کارا توسعه پیدا کرده است (آتاناسوگلو و همکاران، ۲۰۰۸). نظریه قدرت بازار استدلال می‌کند که سود زمانی به دست می‌آید که نیروهای بازار قوی‌تر شوند. در مقابل، نظریه ساختار کارا فرض می‌کند که با مدیریت مؤثر، سود حاصل می‌شود و بنابراین، تمرکز بالاتری نیاز دارد. در دهه‌های گذشته، مطالعات مختلفی در مورد عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه انجام شده است. با این وجود، همه آن‌ها در نتایج دارای تناقضاتی بوده‌اند. عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها را می‌توان به چندین گروه مختلف تقسیم کرد؛ بر اساس چارچوب نظری جاده^۱ و همکاران (۲۰۲۰) این گروه‌ها را می‌توان تحت عنوان متغیرهای خاص بانک، شاخص‌های اقتصادی و متغیرهای دولتی (حکومتی) نام‌گذاری نمود.

اندازه بانک، نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها، نقدینگی، ریسک اعتباری و نسبت کل وام به کل دارایی‌ها ویژگی‌هایی هستند که به سودآوری بانک مربوط می‌شوند و در بسیاری از مطالعات با استفاده از داده‌های کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. در مطالعات بخاری و قدوس^۲ (۲۰۱۲)، ناسور و عمران^۳ (۲۰۱۱)، آتاناسوگلو^۴ و همکاران (۲۰۰۸)

^۱- Jadah

^۲- Bukhari and Qudous

^۳- Naceur and Omran

^۴- Athanasoglou

گزارش شده که اندازه بانک‌ها هیچ تأثیری بر عملکرد ندارد. در مقابل دی‌آندرس و واله‌لادو^۱ (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان داده‌اند که بانک‌های بزرگ هزینه‌های پایین و در نتیجه قدرت بالای بازار را دارند. کومار و بیرد^۲ (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که اندازه بانک متغیر کلیدی در سودآوری بانک‌های هندی و چینی است. در رابطه با نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها، مطالعات تجربی قبلی نشان می‌دهد که نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها با سودآوری بانک ارتباط مثبت و معناداری دارد (جاده و همکاران، ۲۰۲۰). سیهوتانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که رابطه مثبتی بین نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها و سودآوری بانک‌های اندونزی وجود دارد. همچنین مطالعات تجربی قبلی نشان می‌دهند که تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد بانک‌ها نامطلوب بوده است (نومن و همکاران، ۲۰۱۵ و پتريا و همکاران، ۲۰۱۵ و جارا-برتین و همکاران، ۲۰۱۴). میلر و نولاس^۴ (۱۹۹۷) به ارتباط معکوس بین ریسک اعتباری و عملکرد بانک اشاره کردند، یعنی نسبت بیشتر وام‌ها به کل دارایی‌ها باعث می‌شود بانک بیشتر مستعد بدهی‌های مشکوک شود و این باعث کاهش حاشیه سود می‌شود؛ با این وجود، والورده و فرناندز^۵ (۲۰۰۷) ثابت کردند که ریسک اعتباری تأثیر مثبت قابل توجهی بر سودآوری بانک دارد. بخاری و قدوس (۲۰۱۲) ارتباط مهمی بین ریسک اعتباری و سودآوری بانک‌های پاکستانی کشف کردند. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که معمولاً درصد بالایی از ریسک اعتباری با عملکرد پایین بانک مرتبط است. راکشیت و باردهان^۶ (۲۰۲۲) با مقایسه عملکرد بانک‌های مختلف نشان می‌دهند که ریسک اعتباری بر سودآوری بانک‌ها موثر است. این محققان با مقایسه کشورهای مختلف، نتیجه‌گیری می‌کنند که ریسک اعتباری می‌تواند بر سودآوری بانک‌ها در شرایط مختلف اثرگذار باشد. متغیر بعدی در این گروه، نقدینگی است. نقدینگی پایین می‌تواند بانک‌ها را تشویق به استقراض با نرخ‌های جریمه کند که برای شهرت آن‌ها مطلوب نخواهد بود. در حالی که برخی از محققان به رابطه نامطلوب بین نسبت نقدینگی و سودآوری بانک اشاره کردند، محققان متعددی ارتباط قطعی بین نقدینگی و سودآوری بانک را بررسی نموده‌اند. در همین حال، بخاری و قدوس (۲۰۱۲)

¹- De Andres and Vallelado

²- Kumar & Bird

³- Sihotang

⁴- Miller and Noulas

⁵- Valverde and Fernandez

⁶- Rakshit, & Bardhan

دریافتند که نقدینگی بر سودآوری بانک تأثیر نمی‌گذارد. درنهایت به‌عنوان نماینده کیفیت دارایی‌های بانک، نسبت کل وام‌ها به کل دارایی‌ها در نظر گرفته می‌شود. نسبت بالاتر منجر به وخامت کیفیت دارایی‌های بانک می‌شود (سیهاک و پوقوسیان، ۲۰۰۹). مطالعات تجربی قبلی رابطه مثبت و معناداری بین نسبت کل وام به دارایی کل و سودآوری بانک نشان می‌دهد (سانسوی و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، داده‌های بدست آمده با نتایج وونگ و چان^۱ (۲۰۰۹) مغایرت دارد. در همین حال، لیانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۳) بین نسبت کل وام به کل دارایی‌ها و سودآوری بانک‌ها ارتباط ناچیزی پیدا کردند.

عوامل خارجی شاخص‌های اقتصادی هستند که خارج از اختیارات یک بانک هستند و بر سودآوری بانک‌ها تأثیر می‌گذارند. عملکرد بانک ممکن است تحت تأثیر یکی از شاخص‌های اقتصاد کلان قرار گیرد که رشد اقتصادی یا رشد تولید ناخالص داخلی است. پتریا^۳ و همکاران (۲۰۱۵) متوجه شدند که بین رشد تولید ناخالص داخلی و سودآوری بانک رابطه مثبت وجود دارد. جارا-برتین^۴ و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط مشابهی بین رشد تولید ناخالص داخلی و عملکرد بانک‌های آمریکای لاتین پیدا کرد. بشیر^۵ (۲۰۰۳) نیز از یافته‌های ۱۴ بانک اسلامی در هشت کشور رابطه مثبت قابل توجهی پیدا کرد. با این وجود، نومن^۶ و همکاران (۲۰۱۵) از جمله محققانی هستند که رابطه منفی معنی‌داری بین رشد تولید ناخالص داخلی و سودآوری شرکت پیدا کرده‌اند. از نظر تئوری، رشد تولید ناخالص داخلی در مواقع کم‌خطر عدم پرداخت وام‌های بانکی باعث می‌شود مردم نسبت به خدمات بانکی تقاضای بیشتری داشته باشند. بنابراین، این امر باعث افزایش سودآوری بانک می‌شود.

نرخ تورم نشان‌دهنده‌ی تغییر نسبت سطح قیمت در دوره گذشته است. کولاندر^۷ و همکاران (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که شاخص قیمت مصرف‌کننده، شاخص تمام قیمت‌های موجود در اقتصاد است و آن را به‌عنوان یک ابزار متداول به‌عنوان شاخص تورم در نظر گرفته است. علاوه بر این، شاخص قیمت مصرف‌کننده، قیمت سبد ثابت برای کالاهای مصرفی را با توجه به نسبت هر جزء در هزینه‌های متوسط مصرف‌کننده اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین، تأثیر

¹- Vong and Chan

²- Liang

³- Petria

⁴- Jara-Bertin

⁵- Bashir

⁶- Noman

⁷- Colander

تورم بر عملکرد بانک‌ها بستگی به این دارد که نرخ تورم غیرقابل پیش‌بینی یا مورد انتظار است (پری، ۱۹۹۲). در مورد تورم مورد انتظار، بانک‌ها می‌توانند نرخ بهره را به موقع تعدیل کنند و بنابراین، درآمد می‌تواند سریع‌تر از هزینه‌ها افزایش یابد و بر سودآوری تأثیر مثبت بگذارد. ثانیاً، در صورت تورم پیش‌بینی نشده، ممکن است بانک‌ها نرخ بهره را به سرعت تغییر ندهند. بنابراین، هزینه‌های بانکی به‌طور پیوسته سریع‌تر از بازده بانکی رشد می‌کند. در واقع، این امر بر سودآوری بانک تأثیر معکوس خواهد داشت. بسیاری از مطالعات انجام شده، ارتباط مثبت و معناداری را بین تورم و سودآوری بانک نشان داده‌اند (گیامرا و آموا، ۲۰۱۵ و نومن و همکاران، ۲۰۱۵). با این وجود، برخی مطالعات دیگر نشان می‌دهند که تورم تأثیر منفی بر عملکرد بانک دارد (بلال و همکاران، ۲۰۱۳). گفته می‌شود، از نظر تنوری، تأثیر مثبت تورم بر سودآوری بانک‌ها قابل پیش‌بینی است، زیرا نسبت تورم بالا مربوط به عملکرد بالای بانک است. در حالی که سیهوتانگ و همکاران (۲۰۲۲)، فروچی^۱ (۲۰۱۷) و اوواسوانتوی^۲ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که تورم هیچ تأثیری بر سودآوری بانک ندارد. در مورد نرخ بهره، تحقیقات تجربی زیادی انجام شده است. بلال^۳ و همکاران (۲۰۱۳) به تأثیرات مثبت نرخ بهره بر سودآوری بانک اشاره کرده‌اند، در حالی که نومن و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر منفی نرخ بهره بر عملکرد بانک را نشان می‌دهند. جانتیلا و نوین^۴ (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که نرخ بهره پایین به وضوح سودآوری بانک‌ها را در منطقه یورو کاهش داده است. لوپز-پناباد^۵ و همکاران (۲۰۲۲) نیز به نتایج مشابهی در مورد سودآوری بانک‌ها در منطقه یورو بر اساس نرخ بهره دست یافته‌اند.

بیکاری همچنین می‌تواند یکی دیگر از شاخص‌های کلان سودآوری بانک‌ها باشد. منظور از بیکاری، نسبت نیروی بیکار است. به‌طور معمول، نرخ بیکاری به‌عنوان یک عامل کلیدی در برآورد وضعیت اقتصادی برجسته است. نسبت بیشتر بیکاری بر جریان‌های نقدی خانوارها تأثیر می‌گذارد و همچنین نشان‌دهنده رابطه بین تولید و تقاضا است (هرچه تولید کم‌تر باشد، تقاضای مؤثر کم‌تر می‌شود). بنابراین این وضعیت منجر به کاهش درآمد شرکت می‌شود. افزون بر این، افزایش نرخ بیکاری منجر به کاهش تقاضای کل می‌شود؛ در واقع، سود

^۱- Ferrouhi

^۲- OwusuAntwi

^۳- Bilal

^۴- Junttila & Nguyen

^۵- López-Penabad

شرکت از طریق کاهش تقاضا، درخطر خواهد بود (هفرنان و فو، ۲۰۰۸). علاوه بر این، بوردلئا^۱ (۲۰۱۰) استدلال کرد که بیکاری بر عملکرد بانک تأثیر منفی می‌گذارد.

اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات برای فعالیت‌های بانکی به همان اندازه حیاتی است. با این حال، مطالعات زیادی وجود ندارد که اثرات این متغیرها را بر سودآوری و عملکرد بانک‌ها تجزیه و تحلیل کرده باشد. علاوه بر این، برگر^۲ و همکاران (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که با رویکرد یکسان در عملکرد بانک‌ها، تأثیرات ایستا، انتخابی و پویای همه اشکال حکمرانی برای عملکرد بانک‌ها مهم است. سه شاخص مورد استفاده در ادبیات، یعنی کیفیت نظارتی، بی‌ثباتی سیاسی و اثربخشی دولت، نقطه کانونی خواهند بود.

در مورد تأثیر مقررات بر سودآوری بانک‌ها، مرور ادبیات به نتایج غیرقطعی منجر شده است، جایی که برخی از نویسندگان موفق شده‌اند تأثیر مثبت مقررات بر عملکرد بانک را برجسته کنند و برخی دیگر تأثیر منفی را نشان داده‌اند. لوین^۳ و همکاران (۲۰۰۰) در بررسی متقابل بانک‌های جنوب شرقی آسیا، نشان دادند که محدودیت‌های مقرراتی دولت به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا تسهیلات اعتباری خود را افزایش داده و سهم بزرگی از بازار را حفظ کنند و این بازدهی بیشتری را به همراه دارد. لاپورتا^۴ و همکاران (۱۹۹۸) عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانک را مطالعه کردند و دریافتند که یک سیستم حقوقی ضعیف می‌تواند از بدهکاران بانکی محافظت کند و منجر به کاهش سودآوری بانک‌ها در اقتصاد گردد. در همین راستا، دمیرگوک-کونت^۵ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که یک سیستم حقوقی بهتر و سیستم‌های نظارتی مؤثر با فساد کم‌تری همراه است و اصطکاک‌ها یا کاستی‌های رایج در سیستم مالی را کاهش می‌دهد. در مورد بانک‌های آسیایی، هرکسی می‌تواند تصور کند که با ظهور سیستم‌های قانونی و نظارتی مؤثر، قوانین شکننده و فساد کاهش می‌یابد و در نهایت و احتمالاً ارتباط مثبتی با سودآوری بانک‌ها نشان می‌دهد.

بی‌ثباتی سیاسی نوع دیگری از ریسک‌های خاص کشور است که می‌تواند اقتصاد، خروجی بانک و عملکرد را تغییر دهد. دانگ و نوین (۲۰۲۲)^۶ عدم اطمینان سیاسی را یکی از

^۱- Bordeleau

^۲- Berger

^۳- Levine

^۴- La Porta

^۵- Demirguc-Kunt

^۶- Dang & Nguyen

عوامل اصلی موثر بر سودآوری بخش بانکی می‌داند. یحیی^۱ و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر سودآوری بانک‌های یمن را بررسی کرده و ارتباط مثبتی پیدا کردند. باین وجود، شانلسوی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در ترکیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و رابطه منفی قابل توجهی بین این دو متغیر بدست آورده‌اند. گوش^۳ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای در برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ارتباط بین بی‌ثباتی سیاسی و سودآوری یک بانک را مورد مطالعه قرار داده و یک رابطه معکوس پیدا کرد. به همین ترتیب، جینون^۴ (۲۰۱۵) تأثیر بی‌ثباتی سیاسی در تونس را بررسی کرده و رابطه منفی را تأیید کرد.

در ارتباط با اثربخشی دولت، چان و عبد کریم^۵ (۲۰۱۶) نشان دادند که اثربخشی دولت و کارآمدی یک بانک به طور مثبت با یکدیگر ارتباط دارند. در همین راستا لنسینک و مسترز^۶ (۲۰۰۷) دریافتند که اثربخشی دولت هزینه‌های بانک‌ها را در برخورد با بروکراسی کاهش می‌دهد. باین حال، بارت^۷ و همکاران (۲۰۰۱) خاطرنشان کردند که ملی شدن بانک با توسعه بخش بانکی ارتباط منفی دارد و با اقدامات ناکارآمدی بانک ارتباط مثبت دارد. به این ترتیب، آرون و ترنر^۸ (۲۰۰۲) استدلال کردند که ناکارآمدی‌های مرتبط با مدیریت بانک، دولت‌های کشورهای در حال توسعه را مجبور به عقب‌نشینی از بخش بانکداری می‌کند.

بررسی مطالعات مختلف در پیشینه‌ی پژوهش، عوامل متعددی را برای سودآوری بانکداری مشخص نموده است که بررسی اجمالی آن‌ها بر اساس محققان مختلف در جدول ۱ نشان داده شده است.

^۱- Yahya

^۲- Ş a n l s o y

^۳- Ghosh

^۴- Jebnoun

^۵- Chan and Abd Karim

^۶- Lensink and Meesters

^۷- Barth

^۸- Arun and Turner

جدول ۱. متغیرهای استخراجی از ادبیات پژوهش

مؤلفه اصلی	معرف	محققان
	اندازه بانک	کومار و بیرد (۲۰۲۲)، بخاری و قدوس (۲۰۱۲)، ناسور و عمران (۲۰۱۱) دی‌آندرس و واله‌لادو (۲۰۰۸)، آتاناسوگلو و همکاران (۲۰۰۸)
	نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها	سیهوتانگ و همکاران (۲۰۲۲)، جاده (۲۰۲۰)، نومن و همکاران (۲۰۱۵) جارا - برتین و همکاران (۲۰۱۴)، هفرنان و فو (۲۰۰۸)
ویژگی‌های خاص بانک	نقدینگی	جاده (۲۰۲۰)، جارا - برتین و همکاران (۲۰۱۴)
	ریسک اعتباری	کومار و بیرد (۲۰۲۲)، راکشیت و باردهان (۲۰۲۲)، پتريا و همکاران (۲۰۱۵) جارا - برتین و همکاران (۲۰۱۴)، بخاری و قدوس (۲۰۱۲) والورده و فرناندز (۲۰۰۷)، میلر و نولاس (۱۹۹۷)
	نسبت کل وام به کل دارایی‌ها	سانسوی و همکاران (۲۰۱۷)، لیانگ و همکاران (۲۰۱۳)، وونگ و چان (۲۰۰۹)
	رشد تولید ناخالص داخلی	پتريا و همکاران (۲۰۱۵)، نومن و همکاران (۲۰۱۵) جارا - برتین و همکاران (۲۰۱۴)، بشیر (۲۰۰۳)
عوامل اقتصادی	نرخ تورم	سیهوتانگ و همکاران (۲۰۲۲)، فروحی (۲۰۱۷)، نومن و همکاران (۲۰۱۵) اوواسوآنتوی و همکاران (۲۰۱۵)، بلال و همکاران (۲۰۱۳)
	نرخ بهره	لوپز - پناباد و همکاران (۲۰۲۲)، جانتیلا و نوین (۲۰۲۲)، بلال و همکاران (۲۰۱۳) نومن و همکاران (۲۰۱۵)
	بیکاری	بوردلتوا (۲۰۱۰)، هفرنان و فو (۲۰۰۸)
	اثر بخشی دولت	چان و عبد کریم (۲۰۱۶)، لسنینک و مسترز (۲۰۰۷) برگر و همکاران (۲۰۰۵)، بارت و همکاران (۲۰۰۱)
عوامل دولتی	ثبات سیاسی	دانگ و نوین (۲۰۲۲)، یحیی و همکاران (۲۰۱۷)، شانلسوی و همکاران (۲۰۱۷) گوش (۲۰۱۶)، جینون (۲۰۱۵)
	کیفیت مقررات	دمیرگوک - کونت و همکاران (۲۰۰۴)، لوین و همکاران (۲۰۰۰) لاپورتا و همکاران (۱۹۹۸)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳. روش پژوهش

این تحقیق از منظر هدف پژوهش، کاربردی- توسعه‌ای و از منظر روش انجام پژوهش، توصیفی بوده است. جامعه آماری پژوهش در بخش اول شامل کلیه مدیران در سرپرستی بانک تجارت استان آذربایجان شرقی و رؤسای شعب بانک تجارت در شهر تبریز بوده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، تعداد این نفرات ۸۰ مدیر و رئیس شعبه بوده است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، هیچ‌گونه نمونه‌گیری نشده و کل نمونه مورد پیمایش قرار گرفته است. در بخش دوم، از خبرگان آشنا به موضوع پژوهش در جهت تدوین الگوی روابط درونی بین مؤلفه‌های اصلی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری بهره گرفته شده است. این خبرگان دارای ویژگی‌های زیر بوده‌اند:

- مدیران و رؤسای شعب با سابقه‌ی مدیریت بیش از ۱۵ سال در بانک
- اساتید دانشگاه با سابقه‌ی تألیف مقاله و یا راهنمایی پایان‌نامه در مقطع دکترا بر اساس مباحث سودآوری در شرکت‌ها و بانک‌ها

بر اساس ویژگی‌های بیان شده و تمایل به همکاری خبرگان در این پژوهش از ۱۰ خبره جهت تدوین الگوی روابط بین مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری بهره گرفته شده است. در این پژوهش از دو پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه اول برای شناسایی و تأیید مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری بانک در جامعه آماری مورد مطالعه بوده است. این پرسشنامه بر اساس مروری بر ادبیات پژوهش تدوین شده است. از پرسشنامه دوم نیز برای تعیین الگوی روابط بین مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری استفاده شده است. در این بخش، از پرسشنامه مخصوص روش مدل‌سازی ساختاری- تفسیری که به صورت مقایسات زوجی می‌باشد، بهره گرفته شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی ساختاری- تفسیری بهره گرفته شده است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) به ایجاد نظم و جهت دادن بر پیچیدگی روابط بین عناصر یک سیستم کمک می‌کند. برای بررسی روابط از گروه تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و گروه تصمیم‌گیری است که مشخص می‌کند که آیا بین متغیرها رابطه وجود دارد و یا خیر. مدل‌سازی ساختاری- تفسیری بر اساس رابطه‌ی ساختاری است، یک ساختار کلی از مجموعه پیچیده متغیرها استخراج می‌شود. مراحل مختلفی که در تکنیک ISM وجود دارد عبارت‌اند از (سینگ و کانت، ۲۰۰۸):

۱. شناسایی عناصر مرتبط با مشکل یا موضوعات - این می‌تواند با بررسی انجام شود.
 ۲. ایجاد یک ماتریس ساختاری خودتعاملی از عناصر که نشان‌دهنده روابط زوجی و خرد بین عناصر سیستم است. در این مرحله از چهار نماد V که نشان‌دهنده تأثیر عنصر i بر j ، A که نشان‌دهنده تأثیر عنصر j بر i ، X نشان‌دهنده تأثیر i بر z و z بر i و O که نشان‌دهنده عدم تأثیر دو عنصر بر یکدیگر است، استفاده می‌شود.

۳. ایجاد ماتریس دستیابی اولیه از ماتریس ساختاری خودتعاملی که در این مرحله نمادهای V ، A ، X و O تبدیل به اعداد صفر و یک می‌شود. به طوری که اگر خانه موردنظر نماد V گرفته باشد، در ماتریس دستیابی اولیه، خانه ij عدد ۱ و خانه ji عدد صفر می‌گیرد. اگر خانه موردنظر نماد A گرفته باشد، در ماتریس دستیابی اولیه، خانه ij عدد ۱ و خانه ji عدد صفر می‌گیرد. اگر خانه موردنظر نماد X گرفته باشد، در ماتریس دستیابی اولیه، خانه ij عدد ۱ و خانه ji هم عدد ۱ می‌گیرد. اگر خانه موردنظر نماد O گرفته باشد، در ماتریس دستیابی اولیه، خانه ij عدد صفر و خانه ji هم عدد صفر می‌گیرد.

۴. ایجاد ماتریس دستیابی نهایی که در این مرحله روابط انتقال‌پذیری بین عناصر بررسی می‌شود. روابط انتقال‌پذیری یک فرض اساسی در ISM است که می‌گوید اگر عنصر A با B و B با C رابطه داشته باشد، پس A نیز با C دارای رابطه است.

۵. تقسیم ماتریس دستیابی به سطوح مختلف؛ در این مرحله، ابتدا متغیرها به دودسته دستیابی و پیش‌نیاز تقسیم می‌شوند. متغیرهای دستیابی شامل خود متغیر موردبررسی و متغیرهایی است که متغیر موردنظر بر آن‌ها تأثیر دارد. متغیرهای پیش‌نیاز شامل خود متغیر و متغیرهایی است که متغیر موردنظر از آن‌ها تأثیر می‌گیرد. در نهایت خروجی هر سطح متغیری خواهد بود که اشتراک هر دو بخش دستیابی و پیش‌نیاز آن با دسته متغیرهای دستیابی یکسان باشد.

۶. نهایتاً در گام آخر، نمودار مستقیم (دیاگرام) بین متغیرها با حذف روابط انتقالی (غیرمستقیم) ترسیم می‌شود.

۴. تحلیل تجربی

با توجه به اینکه در این مقاله به دنبال تبیین ارتباط بین سازه‌ها (مؤلفه‌های اصلی) و زیرمجموعه‌های هر کدام می‌باشیم، لذا برای تأیید سازه‌های چارچوب نظری بر اساس داده‌های نمونه‌ای از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. در بررسی مدل‌های

تأییدی ابتدا کل مدل تأییدی از طریق شاخص‌های مختلفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مقاله به ترتیب شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، کای دو به‌هنگار شده (χ^2/df)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) برای بررسی مدل‌های تأییدی استفاده شده که مقدار مناسب هر کدام در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- مقادیر مطلوب هر یک از مدل‌های تأییدی بر اساس شاخص‌های برازش مدل تأییدی

مقدار عالی	مقدار مناسب	شاخص
$0 \leq \chi^2/df \leq 2$	$2 < \chi^2/df \leq 3$	کای دو به‌هنگار شده (χ^2/df)
$0.95 \leq GFI \leq 1.00$	$0.80 \leq GFI < 0.95$	نیکویی برازش (GFI)
$0 \leq RMR \leq 0.05$	$0 < RMR \leq 0.10$	ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR)
$0.97 \leq CFI < 1.00$	$0.90 \leq CFI < 0.97$	برازش تطبیقی (CFI)
$0 \leq RMSEA \leq 0.05$	$0.05 < RMSEA \leq 0.09$	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پس از اطمینان از مناسب بودن هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری بر اساس شاخص‌های برازش مدل تأییدی، بارهای عاملی و مقادیر t متناظر هر بار عاملی بررسی می‌گردد تا ارتباط بین هر سازه و معرف‌های آن تأیید گردد. نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل‌های تأییدی و بارهای عاملی نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی تأییدی به تفکیک هر یک از سازه‌ها

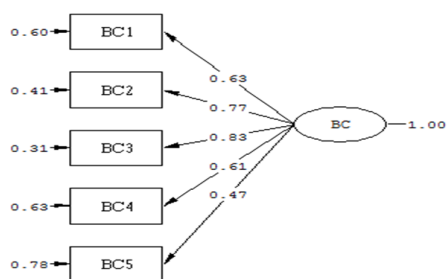
سازه	معرف	نماد معرف	بار عاملی	مقدار t	RMSEA	χ^2/df	GFI	CFI	RMR
ویژگی‌های خاص بانک	اندازه بانک	BC1	۰/۶۳	۵/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	۱	۱	۰/۰۱۷
	نسبت حقوق								
	صاحبان سهام	BC2	۰/۷۷	۷/۴۵					
	به کل دارایی‌ها								
	نقدینگی	BC3	۰/۸۳	۸/۲۲					
عوامل اقتصادی	ریسک اعتباری	BC4	۰/۶۱	۵/۵۵	۰/۰۰۰	۰/۱۰۵	۱	۱	۰/۰۱۲
	نسبت کل وام به کل دارایی‌ها	BC5	۰/۴۷	۴/۱۳					
	رشد تولید ناخالص داخلی	EF1	۰/۵۶	۴/۳۱					
	نرخ تورم	EF2	۰/۸۳	۵/۷۷					
	نرخ بهره	EF3	۰/۴۷	۳/۶۹					
عوامل دولتی	بیکاری	EF4	۰/۴۱	۳/۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱	۱	۰/۰۰۰
	اثربخشی دولت	GF1	۰/۴۸	۲/۶۰					
	ثبات سیاسی	GF2	۰/۵۱	۲/۶۶					
	کیفیت مقررات	GF3	۰/۴۷	۲/۵۹					
نتایج									
سازه	معرف	نماد معرف	بار عاملی	مقدار t	RMSEA	χ^2/df	GFI	CFI	RMR

					عوامل اقتصادی			ویژگی های خاص بانک	
					اندازه بانک	BC1	۰/۶۳		۵/۸۰
					نسبت حقوق				
					صاحبان سهام	BC2	۰/۸۷	۷/۴۵	
					به کل دارایی -				
					ها				
۰/۰۱۷	۱	۱	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	نقدینگی	BC3	۰/۸۳	۸/۲۲	
					ریسک	BC4	۰/۶۱	۵/۵۵	
					اعتباری				
					نسبت کل وام				
					به کل	BC5	۰/۴۷	۴/۱۳	
					دارایی ها				
					عوامل اقتصادی			عوامل درونی	
					رشد تولید				
					ناخالص	EF1	۰/۵۶		۴/۳۱
					داخلی				
۰/۰۱۲	۱	۱	۰/۱۰۵	۰/۰۰۰	نرخ تورم	EF2	۰/۸۳		۵/۷۷
					نرخ بهره	EF3	۰/۴۷	۳/۶۹	
					بیکاری	EF4	۰/۴۱	۳/۲۲	
					عوامل درونی			عوامل درونی	
					اثربخشی	GF1	۰/۴۸		۲/۶۰
					دولت				
۰/۰۰۰	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ثبات سیاسی	GF2	۰/۵۱	۲/۶۶	
					کیفیت				
					مقررات	GF3	۰/۴۷	۲/۵۹	

نشان می‌دهد که مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد برای تمامی مدل‌های تأییدی کمتر از ۰/۰۵، مقدار کای دو به‌هنگار شده برای تمامی مدل‌های تأییدی کمتر از ۲، مقدار شاخص نیکویی برازش برای تمامی مدل‌های تأییدی برابر ۱، مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده برای تمامی مدل‌های تأییدی کمتر از ۰/۰۵ و مقدار شاخص برازش تطبیقی برای تمامی مدل‌های تأییدی برابر ۱ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده مناسب بودن و تأیید هر یک از سازه‌ها در جامعه آماری پژوهش می‌باشد. همچنین بررسی بارهای عاملی نشان می‌دهد که مقدار تمامی بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۳ محاسبه شده که نشان‌دهنده ارتباط مناسب هر معرف با سازه مربوطه

می‌باشد. بررسی معناداری هر یک از بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که مقادیر t متناظر تمامی بارهای عاملی بزرگ‌تر از $1/96$ بدست آمده که نشان‌دهنده معنی‌داری ارتباط بین سازه‌ها و معرف‌های هر کدام و تأیید معرف‌ها از طریق داده‌های نمونه‌ای می‌باشد. برای مثال در بارهای عاملی مربوط به مدل تأییدی ویژگی‌های خاص بانک و در شکل ۲ مقادیر t بارهای عاملی نشان داده شده است.

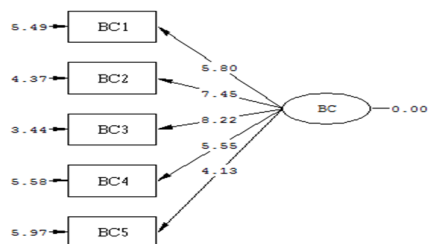
شکل ۱. بارهای عاملی مدل تأییدی ویژگی‌های خاص بانک



Chi-Square=1.94, df=5, P-value=0.85694, RMSEA=0.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل ۲. مقادیر t بارهای عاملی مدل تأییدی ویژگی‌های خاص بانک



Chi-Square=1.94, df=5, P-value=0.85694, RMSEA=0.000

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به تأیید سازه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری بانک‌ها از طریق داده‌های نمونه‌ای، در این بخش بر اساس مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، روابط علی بین این سازه‌ها تعیین شده است. برای این منظور از خبرگان خواسته شده تا تعیین نمایند که در بین سازه‌های مؤثر بر سودآوری

صنعت بانکداری، کدام سازه عامل دستیابی به سایر سازه‌ها می‌باشند. بر همین اساس نیز بعد از ارسال پرسشنامه‌ای مانند جدول ۴ روابط بین سازه‌های اصلی تعیین گردیده است. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- ماتریس روابط سطح‌بندی سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

نماد	سازه	BC	EF	GF
BC	ویژگی‌های خاص بانک	۰	۰	۰
EF	عوامل اقتصادی	۱	۰	۰
GF	عوامل دولتی	۰	۱	۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در مرحله بعدی بایستی در ماتریس اولیه دستیابی، سازگاری درونی برقرار گردد. برای مثال اگر سازه اول منجر به سازه دوم می‌شود و سازه دوم نیز منجر به سازه سوم می‌گردد، باید سازه اول نیز منجر به سازه سوم شود. اگر در ماتریس دستیابی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم‌افزاده جایگزین شوند. بایستی توجه داشت که قبل از این کار، ابتدا ماتریس روابط با ماتریس همانی جمع شده و باعث می‌گردد ماتریس دستیابی اولیه بدست آید که در آن قطر اصلی برابر ۱ می‌گردد. نتایج مربوط به ماتریس اولیه دستیابی در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- ماتریس دستیابی اولیه به منظور سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

نماد	سازه	BC	EF	GF
BC	ویژگی‌های خاص بانک	۱	۰	۰
EF	عوامل اقتصادی	۱	۱	۰
GF	عوامل دولتی	۰	۱	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای سازگار کردن از روش قوانین ریاضی استفاده شده است. به این صورت که ماتریس دستیابی را به توان $K-1$ می‌رسانند. عملیات به توان رساندن طبق قاعده بولن می‌باشد. طبق این قاعده: $1=1 \times 1$ و $1=1+1$ می‌باشد. در این تحقیق ماتریس دستیابی در $K=2$ به سازگاری درونی دست یافته است. نتایج مربوط به سازگاری درونی که در حقیقت ماتریس دستیابی نهایی می-

باشد، در جدول ۶ نشان داده شده است. نتایج نشان‌دهنده این است که تغییر در ماتریس دستیابی اولیه ایجاد نشده و ماتریس دستیابی اولیه، همان ماتریس نهایی می‌باشد.

جدول ۶- ماتریس دستیابی نهایی سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

نماد	سازه	BC	EF	GF
BC	ویژگی‌های خاص بانک	۱	۰	۰
EF	عوامل اقتصادی	۱	۱	۰
GF	عوامل دولتی	۱	۱	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نهایت در مرحله آخر، سطح و اولویت سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک تعیین می‌شود؛ برای تعیین سطح و اولویت سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک، مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر سازه تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی هر سازه شامل سازه‌هایی می‌شود که از طریق این سازه می‌توان به آن‌ها رسید و مجموعه پیش‌نیاز شامل سازه‌هایی است که از طریق آن‌ها می‌توان به این سازه رسید. این کار با استفاده از ماتریس دستیابی انجام می‌شود. پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر سازه، عناصر مشترک در مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر سازه شناسایی می‌شوند. پس از تعیین مجموعه‌های پیش‌نیاز و دستیابی و عناصر مشترک، نوبت به تعیین سطح سازه‌ها می‌رسد. در اولین جدول، سازه‌ای دارای بالاترین سطح می‌باشد که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان می‌باشند. پس از تعیین این سازه یا سازه‌ها، می‌توان آن‌ها را از جدول حذف کرده و با بقیه متغیرهای باقیمانده جدول بعدی را تشکیل می‌دهیم. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می‌کنیم و این کار را تا تعیین سطوح همه متغیرها ادامه می‌دهیم. نتایج در جداول ۷، ۸ و ۹ نشان داده شده است.

جدول ۷. مرحله اول تعیین سطح سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

سازه	دستیابی	پیش‌نیاز	فصل مشترک	خروجی
ویژگی‌های خاص بانک	BC	BC, EF, GF	BC	BC
عوامل اقتصادی	BC, EF	EF, GF	EF	-
عوامل دولتی	BC, EF, GF	GF	GF	-

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۸. مرحله دوم تعیین سطح سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

سازه	دستیابی	پیش‌نیاز	فصل مشترک	خروجی
عوامل اقتصادی	EF	EF, GF	EF	EF
عوامل دولتی	EF, GF	GF	GF	-

منبع: یافته‌های پژوهشگر

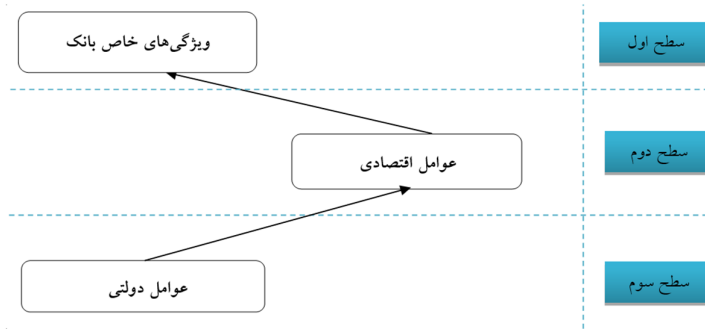
جدول ۹. مرحله سوم تعیین سطح سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک

سازه	دستیابی	پیش‌نیاز	فصل مشترک	خروجی
عوامل دولتی	GF	GF	GF	GF

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پس از تعیین سطح و روابط متغیرهای تحقیق می‌توان آن‌ها را به شکل مدلی ترسیم کرد. بر اساس نظر خبرگان تحقیق از روابط تعدی چشم‌پوشی شده است. به همین منظور ابتدا سازه‌ها برحسب سطح آن‌ها به ترتیب از بالا به پایین تنظیم می‌شوند. در تحقیق حاضر سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک در سه سطح قرار گرفته‌اند که در شکل ۳ نشان داده شده است.

شکل ۳. الگوی نهایی و سطح‌بندی از سازه‌ها



منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۹ و شکل ۳ نشان می‌دهد که مؤلفه ویژگی‌های خاص بانک در سطح اول، عوامل اقتصادی در سطح دوم و عوامل دولتی در سطح سوم سازه‌های مؤثر بر سودآوری بانک قرار گرفته‌اند. به عبارتی نتایج گویای این مطلب است که برای سودآوری بانک‌های ایرانی و به‌خصوص بانک تجارت، در درجه اول عوامل دولتی دارای اهمیت بوده و پس‌از آن عوامل اقتصادی و در نهایت ویژگی‌های خاص بانک قرار دارد. از دیدگاهی دیگر، می‌توان عنوان نمود که عوامل دولتی بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر عوامل دارا هستند و عوامل اقتصادی به‌عنوان یک پل ارتباطی بین عوامل دولتی و ویژگی‌های خاص بانک قرار دارند.

در ادامه با هدف شناسایی میزان قدرت هدایت و قدرت وابستگی الگوی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری از تحلیل قدرت هدایت و قدرت وابستگی استفاده شده است. برای انجام این تحلیل لازم است تا مقدار عددی شاخص هدایت (تأثیرگذاری) و شاخص وابستگی (پیش‌نیاز) برای هر یک از مؤلفه‌های اصلی استخراج شود. لذا نتایج در جدول ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. میزان قدرت هدایت و وابستگی مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری

عوامل دولتی	عوامل اقتصادی	ویژگی‌های خاص بانک	نوع قدرت
۳	۲	۱	قدرت هدایت (نفوذ)
۱	۲	۳	قدرت وابستگی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این مرحله با استفاده از قدرت هدایت و وابستگی، نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شده است. پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی عوامل می‌توان مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری را در یکی از خوشه‌های چهارگانه ماتریس اثر متغیرها طبقه‌بندی کرد. نخستین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) می‌شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزاست و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم متغیرهای وابسته که از قدرت نفوذ ضعیف، ولی وابستگی بالایی برخوردار هستند. گروه سوم متغیرهای پیوندی که قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند. در واقع هرگونه عملی بر این دسته عوامل سبب تغییر سایر عوامل می‌شود. گروه چهارم متغیرهای مستقل (کلیدی) را در برمی‌گیرد. این متغیرها دارای قدرت افزایش پیوستگی و تعلق مکانی یعنی نفوذ بالا و وابستگی پایینی است. بر اساس شکل ۴ در گروه یک هیچ مؤلفه‌ای قرار نگرفته است که نشان می‌دهد که این عوامل غیرمتصل در سیستم سودآوری بانک‌ها وجود ندارد. مؤلفه اصلی ویژگی‌های خاص بانک در گروه دو قرار گرفته است که از قدرت نفوذ ضعیف، ولی وابستگی بالایی برخوردار است. در گروه سوم مؤلفه اصلی عوامل اقتصادی قرار گرفته است که همین عامل باعث پیچیدگی بیشتر سیستم می‌گردد. هرگونه تغییری در این گروه (عوامل اقتصادی) سبب تغییر سایر عوامل سیستم می‌گردد. در گروه چهارم مؤلفه اصلی عوامل دولتی قرار گرفته است که به‌عنوان سنگ بنای ساختاری سیستم عمل می‌کنند و برای شروع یک تغییر و تحول اساسی در عملکرد سیستم باید در مرحله اول روی این گروه تأکید نمود. به عبارتی برای حرکت به سمت سودآوری صنعت بانکداری، بایستی توجه به این عوامل در راستای تقویت هر یک از آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

شکل ۴. تجزیه و تحلیل سیستمی قدرت هدایت-وابستگی

قدرت وابستگی			
تأثیر سیاستی	عوامل دولتی	گروه ۳	گروه ۴
	عوامل اقتصادی	گروه ۲	گروه ۱
	ویژگی‌های خاص بانک	۳	۲
	۱	۲	۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تدوین الگوی عوامل مؤثر بر سودآوری صنعت بانکداری بر اساس مدل‌سازی ساختاری-تفسیری بوده است. بر همین اساس پس از مروری بر ادبیات پژوهش، دوازده معرف در قالب سه دسته از عوامل شناسایی گردیده و بر اساس داده‌های نمونه‌ای، مؤلفه‌های اصلی و معرف‌ها در جامعه آماری پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های این بخش نشان داد که سه سازه‌ی اصلی مرتبط با سودآوری صنعت بانکداری را می‌توان در ویژگی‌های خاص بانک، عوامل اقتصادی و عوامل دولتی دسته‌بندی کرد. این سه سازه به‌عنوان سازه‌های اصلی سودآوری در صنعت بانکداری و به‌خصوص بانک تجارت شناسایی شده‌اند. در گام بعدی، بر اساس مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، سطح‌بندی از مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر سودآوری بانک انجام گرفت. نتایج در این بخش نشان داد که عوامل دولتی بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر عوامل دارا بوده و عوامل اقتصادی به‌عنوان یک پل ارتباطی بین عوامل دولتی و ویژگی‌های خاص بانک قرار دارند. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که معرف‌هایی مانند کیفیت مقررات و ثبات سیاسی می‌توانند عاملی در جهت تأثیرگذاری بر عوامل اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و بیکاری باشند. تحقیقات قبلی در این خصوص نیز نشان داده است که هر چقدر کیفیت مقررات در صنعت بانکداری پایین باشد، می‌تواند بر کنترل و نظارت اثر گذاشته و کیفیت تأمین مالی

بنگاه‌ها را از طریق بانک‌ها کاهش دهد که نتیجه آن رشد کم تولید ناخالص داخلی، تورم بالا و درنهایت بیکاری خواهد بود. از طرفی نیز عدم ثبات سیاسی می‌تواند یکی دیگر از عوامل مهم در تأثیرگذاری بر عوامل اقتصادی باشد. بایستی توجه نمود که علاوه بر تأثیرگذاری عوامل دولتی بر عوامل اقتصادی، عوامل دولتی می‌توانند به طور غیرمستقیم بر ویژگی‌های خاص بانکی نیز از طریق قوانین و مقررات و اثربخشی بانکی تأثیرگذار باشند. به عبارتی ویژگی‌های خاص بانکی، ضمن اینکه به طور مستقیم از عوامل اقتصادی تأثیر می‌گیرد، به طور غیرمستقیم نیز از عوامل دولتی تأثیرپذیر خواهد بود. به‌طور کلی بایستی توجه نمود که بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران بر این مسئله توافق دارند که بخش بانکی عملکرد مهمی را در تحریک توسعه پایدار اقتصادی انجام می‌دهد. در این راستا، بانک‌ها نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌کنند و ثبات آن‌ها برای سیستم مالی حیاتی است. در نتیجه، اگر یک سیستم مالی کارآمد باشد، باید به سودآوری برسد.

منابع

- حیدری، صبا، طاهری کیا، فریز و ایمان خان، نیلوفر (۱۴۰۰)، طراحی و اعتباریابی مدل یک یکپارچه‌سازی مدیریت دانش مشتری و مدیریت ارتباط با مشتری با رویکرد کسب مزیت رقابتی در صنعت بانکداری ایران، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۷ (۸۱)، ۷۱-۹۴.
- موسوی، سید مرتضی، پاک‌مرام، عسگر، بحری ثالث، جمال، قالیباف اصل، حسن (۱۴۰۰)، نقش راهبردی مدیریت ریسک بر تعامل بین کارایی، عملکرد و سلامت مالی بانک‌ها، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۷ (۸۱)، ۷۱-۹۴.
- Abedifar, P., Ebrahim, S. M., Molyneux, P., & Tarazi, A (2015), Islamic banking and finance: Recent empirical literature and directions for future research. *Journal of Economic Surveys*, 29(4), 637-670.
- Athanasoglou, P. P., Brissimis, S. N., & Delis, M. D (2008), Bank-specific, industry-specific and macroeconomic determinants of bank profitability. *Journal of international financial Markets, Institutions and Money*, 18(2), 121-136.
- Bashir, A. H. M (2003), Determinants of profitability in Islamic banks: Some evidence from the Middle East. *Islamic economic studies*, 11(1).
- Berger, A. N., Clarke, G. R., Cull, R., Klapper, L., & Udell, G. F (2005), Corporate governance and bank performance: A joint analysis of the static, selection, and dynamic effects of domestic, foreign, and state ownership. *Journal of Banking & Finance*, 29(8-9), 2179-2221.
- Berglund, T., & Mäkinen, M (2019), Do banks learn from financial crisis? The experience of Nordic banks. *Research in International Business and Finance*, 47, 428-440.
- Bilal, M., Saeed, A., Gull, A. A., & Akram, T (2013), Influence of bank specific and macroeconomic factors on profitability of commercial banks: A case study of Pakistan. *Research journal of finance and accounting*, 4(2), 117-126.
- Bouzgarrou, H., Jouida, S., & Louhichi, W (2018), Bank profitability during and before the financial crisis: Domestic versus foreign banks. *Research in International Business and Finance*, 44, 26-39.
- Bukhari, S. A. J., & Qudous, R. A (2012), Internal and external determinants of profitability of banks: Evidence from Pakistan. *Interdisciplinary journal of contemporary research in business*, 3(9), 1037-1058.
- Cihak, M. M., & Poghosyan, M. T (2009), *Distress in European Banks: An Analysis Based on a New Dataset*. International Monetary Fund.
- Colander, D. C., Amato, G., & Laudati, L. L (2001), *The lost art of economics: Essays on economics and the economics profession*. Cheltenham: Edward Elgar.

- Dang, V. D., & Nguyen, H. C (2022), Bank profitability under uncertainty. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 83, 119-134.
- De Andres, P., & Vallelado, E (2008), Corporate governance in banking: The role of the board of directors. *Journal of banking & finance*, 32(12), 2570-2580.
- Dietrich, A., & Wanzenried, G (2011), Determinants of bank profitability before and during the crisis: Evidence from Switzerland. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 21(3), 307-327.
- Dietrich, A., & Wanzenried, G (2014), The determinants of commercial banking profitability in low-, middle-, and high-income countries. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 54(3), 337-354.
- Ferrouhi, E. M (2017), Determinants of bank performance in a developing country: Evidence from Morocco. *Organizations and Markets in Emerging Economies*, 8(15), 118-129.
- García-Herrero, A., Gavilá, S., & Santabárbara, D (2009), What explains the low profitability of Chinese banks?. *Journal of Banking & Finance*, 33(11), 2080-2092.
- Graff, M (2003), Financial development and economic growth in corporatist and liberal market economies. *Emerging Markets Finance and Trade*, 39(2), 47-69.
- Gul, S., Irshad, F., & Zaman, K (2011), Factors Affecting Bank Profitability in Pakistan. *Romanian Economic Journal*, 14(39).
- Gyamerah, I. A., & Amoah, B (2015), Determinants of bank profitability in Ghana. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 5(1), 173-187.
- Hassan, M. K., & Aliyu, S (2018), A contemporary survey of Islamic banking literature. *Journal of Financial Stability*, 34, 12-43.
- Hawtrey, K., & Liang, . (2008), Bank interest margins in OECD countries. *The North American Journal of Economics and Finance*, 19(3), 249-260.
- Hossain, M. S., & Ahamed, F (2021), Comprehensive Analysis On Determinants Of Bank Profitability In Bangladesh. arXiv preprint arXiv:2105.14198.
- Issaka Jajah, Y., Anarfo, E. B., & Aveh, F. K (2022), Financial inclusion and bank profitability in Sub-Saharan Africa. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 32-44.
- Jadah, H. M., Alghanimi, M. H. A., Al-Dahaan, N. S. H., & Al-Husainy, N. H. M (2020), Internal and external determinants of Iraqi bank profitability. *Banks and Bank Systems*, 15(2), 79-93.
- Jara-Bertin, M., Moya, J. A., & Perales, A. R (2014), Determinants of bank performance: evidence for Latin America. *Academia Revista Latinoamericana de Administración*.

- Jeris, S. S (2021), Factors Influencing Bank Profitability in a Developing Economy: Panel Evidence From Bangladesh. *International Journal of Asian Business and Information Management (IJABIM)*, 12(3), 333-346.
- Junttila, J., & Nguyen, V. C. S (2022), Impacts of sovereign risk premium on bank profitability: Evidence from euro area. *International Review of Financial Analysis*, 81, 102110.
- Klein, P. O., & Weill, L (2022), Bank profitability and economic growth. *The Quarterly Review of Economics and Finance*.
- Kumar, V., & Bird, R (2022), Factors influencing the profitability of banks in India and China. *Applied Economics Letters*, 29(5), 371-375.
- Liang, Q., Xu, P., & Jiraporn, P (2013), Board characteristics and Chinese bank performance. *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 2953-2968.
- López-Penabad, M. C., Iglesias-Casal, A., & Neto, J. F. S (2022), Effects of a negative interest rate policy in bank profitability and risk taking: Evidence from European banks. *Research in International Business and Finance*, 60, 101597.
- Martins, A. M., Serra, A. P., & Stevenson, S (2019), Determinants of real estate bank profitability. *Research in International Business and Finance*, 49, 282-300.
- Maudos, J (2017), Income structure, profitability and risk in the European banking sector: The impact of the crisis. *Research in International Business and Finance*, 39, 85-101.
- Maudos, J., & De Guevara, J. F (2004), Factors explaining the interest margin in the banking sectors of the European Union. *Journal of Banking & Finance*, 28(9), 2259-2281.
- Maudos, J., & Solís, L (2009), The determinants of net interest income in the Mexican banking system: An integrated model. *Journal of Banking & Finance*, 33(10), 1920-1931.
- Mergaerts, F., & Vander Vennet, R (2016), Business models and bank performance: A long-term perspective. *Journal of Financial Stability*, 22, 57-75.
- Miller, S. M., & Noulas, A. G (1997), Portfolio mix and large-bank profitability in the USA. *Applied Economics*, 29(4), 505-512.
- Naceur, S. B., & Omran, M (2011), The effects of bank regulations, competition, and financial reforms on banks' performance. *Emerging markets review*, 12(1), 1-20.
- Noman, A. H. M., Chowdhury, M. M., Chowdhury, N. J., Kabir, M. J., & Pervin, S. (2015). The effect of bank specific and macroeconomic determinants of banking profitability: a study on Bangladesh. *International Journal of Business and Management*, 10(6), 287.
- Owusu-Antwi, G., Mensah, L., Crabbe, M., & Antwi, J (2015), Determinants of

- bank performance in Ghana, the economic value added (EVA) approach. *International Journal of Economics and Finance*, 7(1), 204-215.
- Perry, P (1992), Do banks gain or lose from inflation?. *Journal of retail banking*, 14(2), 25-31.
- Petria, N., Capraru, B., & Ilnatov, I. (2015). Determinants of banks' profitability: evidence from EU 27 banking systems. *Procedia economics and finance*, 20, 518-524.
- Rakshit, B., & Bardhan, S (2022), An empirical investigation of the effects of competition, efficiency and risk-taking on profitability: an application in Indian banking. *Journal of Economics and Business*, 118, 106022.
- Şanlısoy, S., Aydın, Ü., Yalçınkaya, A., & Elif, A (2017), Effect of political risk on bank profitability. *International Journal of Business Management and Economic Research (IJBMER)*, 8(5), 998-1007.
- Saunders, A (2000), *Financial institutions management: A modern perspective*. Boston: Irwin McGraw-Hill.
- Sihotang, M. K., Hasanah, U., & Hayati, I (2022), Model Of Sharia Bank Profitability Determination Factors By Measuring Internal And External Variables. *Indonesian Interdisciplinary Journal Of Sharia Economics (Iijse)*, 5(1), 235-251.
- Trujillo-Ponce, A (2013), What determines the profitability of banks? Evidence from Spain. *Accounting & Finance*, 53(2), 561-586.
- Valverde, S. C., & Fernández, F. R (2007), The determinants of bank margins in European banking. *Journal of Banking & Finance*, 31(7), 2043-2063.
- Vera-Gilces, P., Camino-Mogro, S., Ordeñana-Rodríguez, X., & Cornejo-Marcos, G (2020), A look inside banking profitability: Evidence from a dollarized emerging country. *the quarterly review of economics and finance*, 75, 147-166.
- Vong, A. P. I., & Chan, H. S (2009), Determinants of Bank Profitability in Macao. *Macao Monetary Research Bulletin*, 12 (6), 93-113.
- Williams, B (2007), Factors determining net interest margins in Australia: domestic and foreign banks. *Financial Markets, Institutions & Instruments*, 16(3), 145-165.
- Yahya, A. T., Akhtar, A., & Tabash, M. I (2017), The impact of political instability, macroeconomic and bank-specific factors on the profitability of Islamic banks: an empirical evidence. *Investment Management and Financial Innovations*, 14(4), 30-39.

